



سال‌های اخیر ما شاهد بودیم که خیلی اتفاق‌ها رخ داده است که وزارت خارجه کشور باید قبل از همه مطلع می‌شد و برای آن برنامه‌ریزی می‌کرد، اما متأسفانه نقش وزارت امور خارجه کاملاً نادیده گرفته شده است. اکثر وزرای امور خارجه کشورمان هم در سال‌های گذشته از چنین رفتارهایی گلایه‌مند بودند و کارشناسان و تحلیل‌گران سیاست خارجی هم این مسئله را به‌عنوان یک معضل و چالش برای نحوه اداره پرونده‌های خارجی در کشور می‌دانند.

اگر امروز بخواهیم منطقی به مسائل نگاه کنیم، باید در ساختار تصمیم‌سازی سیاست خارجی توجه بیشتری شود و تحولی در نحوه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری در سیاست خارجی کشور رخ دهد. اشکالاتی که متأسفانه وجود دارد و مصداق‌های بسیاری از آنها وجود دارد، باید برطرف شود و وظایف ذاتی وزارت امور خارجه به این نهاد بازگردد.

نکته دیگر این است که در حوزه سیاست خارجی باید روابط کشور در سطح منطقه‌ای و به‌ویژه در سطح بین‌المللی اصلاح شود. روابط ما در دنیا در شرایط کنونی، روابط متعادلی نیست، یعنی با تعدادی از کشورها انقدر روابطمان غیرمنطقی جلوه می‌کند که افکار عمومی نسبت به این روابط حساس شده‌اند. گاهی این احساس پدید می‌آید که گویی اجباری وجود دارد که این چنین وزنه برخی کشورها در سیاست خارجی کشور سنگین شود یا اینکه نفوذ از طرف قدرت‌های بدخواه باعث شده است که مسیر سیاست خارجی کشور از تعادل خارج شود.

متأسفانه در اتفاق‌های یکی دو سال گذشته، شاهد این بودیم که وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی روزبه‌روز بیشتر از تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها کنار گذاشته شده است. برای مثال در پاکستان که هفته گذشته رئیس‌جمهور اسلامی ایران به این کشور سفر کرد، بدون

اینکه تصمیم اجماعی وجود داشته‌باشد و نظر دستگاه دیپلماسی گرفته شده‌باشد، عملیاتی علیه خاک این کشور انجام شد. این عملیات هر دلیل موجهی هم که داشت، مشخص بود که بدون کسب نظر تخصصی وزارت خارجه انجام شد و دستگاه دیپلماسی را بدون برنامه‌ریزی در عمل انجام شده قرار داد.

نقش دیپلماسی آنطور که باید و شاید در سال‌های اخیر به رسمیت شناخته نشده است. من وزارت امور خارجه را مقصر این نقص نمی‌دانم، بلکه معتقدم وزارت امور خارجه و کارشناسان و دیپلمات‌های خبره این نهاد همواره این آمادگی را داشته‌اند که نقش ذاتی و مؤثر خود را اجرا کنند، اما متأسفانه نهادهای دیگری که دست‌اندرکار هستند، هنوز اهمیت و ضرورت ایفای نقش وزارت امور خارجه را در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری درک نکرده‌اند و به همین دلیل از ظرفیت این دستگاه غافل شده‌اند.



این حجم از تلاش‌هایی فایده‌بخش بوده و اسرائیل ضربه‌پذیر است و اگر مرتکب اشتباهی شود، ضربات دیگری هم خواهد خورد.

مشارکت ائتلاف آمریکا، بریتانیا و فرانسه با حمایت برخی کشورهای عربی در رهگیری و انهدام موشک‌ها و پهپادهای ایرانی باعث شد که برخی تحلیل‌گران ایران موضوع را مطرح کرده‌اند که اسرائیل و آمریکا یک‌تام به ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای با مشارکت اسرائیل و کشورهای عربی برای مقابله با ایران نزدیک‌تر شده‌اند.

نظر شما در مورد این مسئله چیست؟

منزاع‌های که بین ایران و اسرائیل پیش آمد، در واقع فقط بین ایران و اسرائیل نبود، بلکه بین ایران و ناتو بود. تمام ظرفیت‌های کشورهای عضو ناتو به کمک اسرائیل آمد و به همین دلیل هم بود که موفق شدند برخی از پهپادها و موشک‌های ایران را منهدم کنند. صرفاً خود اسرائیل در عملیات ایران مدافع نبود، بلکه ظرفیت بزرگی از کشورهای عضو ناتو در این دفاع مشارکت کردند. همین موضوع نشان‌دهنده توان و قدرت موشکی و پهپادی ایران بود، چراکه برای ای‌اثر کردن این عملیات کل ظرفیت کشورهای متحد اسرائیل در ناتو با همه امکانات وارد صحنه شدند.

بعضی از کشورهای عربی مثل اردن از اسرائیل دفاع کردند و برخی کشورهای عربی هم آسمان خودشان را در اختیار آمریکا و انگلیس و فرانسه قرار دادند و سعی کردند که در این حمله اسرائیل ضربات کمتری بخورد. اسم این ائتلاف را هر چیزی بگذاریم، چه به آن بگوییم ناتوی خاورمیانه یا ناتوی عربی یا هر چیز دیگر، در این شرایط شاهد بروز عملی آن بودیم.

ولی اینکه در آینده قرار باشد چنین تشکیلاتی واقعاً شکل بگیرد، به شرایط آینده منطقه بستگی دارد و از الان نمی‌توان پیش‌بینی کرد؛ به‌خصوص اینکه کشورهای منطقه هم می‌دانند که اگر بخواهند وارد فاز یک ائتلاف شوند، آنگاه باید امنیت و آینده خود را در بست در اختیار آمریکا و اسرائیل قرار دهند و خودشان را با آنها هم‌سرنوشت کنند. همانگونه که در سال‌های گذشته مشاهده کرده‌ایم، همه سیاست‌های آمریکا و اسرائیل همیشه برای همه کشورهای عربی قابل‌پذیرش نیستند.

بعد از آغاز جنگ غزه گفته می‌شد که عربستان از فرآیند عادی‌سازی روابط با اسرائیل دور شده است. با توجه به تحولاتی که در ۶ ماه گذشته رخ داده است،

تصور می‌کنید ریاض تا چه اندازه امکان دارد به فرآیند عادی‌سازی با اسرائیل بازگردد؟

تجدید رابطه ایران با عربستان نشان‌دهنده تغییراتی در سیاست خارجی ریاض بود. از طرف دیگر برخی واکنش‌هایی که حکومت عربستان سعودی نسبت به عملکرد آمریکا نشان داد، مشخص کرد که سران این کشور دیگر مانند گذشته به صورت صددرصد پیرو آمریکا نیستند. در عربستان تصور غلطی ایجاد شده بود که اگر این کشور دنبال توسعه اقتصادی و فناوری است، باید با اسرائیل که یک قدرت اثرگذار در آمریکا و کشورهای غربی محسوب می‌شود، رابطه‌ای دوستانه برقرار کند. اما فکر می‌کنم ریاض اکنون به این نتیجه رسیده است که تحلیلی که در گذشته داشتند، درست نبوده و می‌توانند بدون رابطه با اسرائیل توسعه اقتصادی داشته‌باشند و می‌توانند مطمئن باشند که کشورهای منطقه ظرفیت کافی برای تأمین امنیت منطقه دارند.

نکته بسیار مهم این است که افکار عمومی کشورهای عربی به صورت جدی با توسعه روابط با اسرائیل مخالف هستند. مردم عرب و مردم مسلمان با اسرائیل مخالف هستند و حاضر به پذیرش این رژیم نیستند. این دولت‌های عربی هستند که به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل حرکت می‌کنند. با توجه به وقایعی که در شش ماه گذشته رخ داد و جنایاتی که اسرائیل در غزه مرتکب شد، قتل عام بیش از ۳۴ هزار نفر که اکثریت آنها کودکان و زنان هستند، گورهای دست‌جمعی که در بیمارستان‌ها کشف می‌شوند، بمباران مدارس، بیمارستان‌ها و خانه‌های شخصی و قحطی گسترده در غزه؛ همه‌ی اینها باعث شده است که زمینه عادی‌سازی روابط با اسرائیل در کشورهای عربی، دست‌کم در افکار عمومی کاملاً از بین برود. اگر دولت‌های عربی دست‌کم تا زمانی که جنگ غزه در خاطره ملت‌ها زنده است بخواهند اقدامی در راستای عادی‌سازی روابط و دوستی با اسرائیل انجام دهند، درون کشورهايشان با افکار عمومی دچار مشکل خواهند شد. احتمال اینکه فرآیند عادی‌سازی روابط با اسرائیل ادامه پیدا کند، بسیار کمتر از گذشته شده است.

بعد از پاسخ ایران به اسرائیل، رئیس‌جمهور آمریکا گفت که می‌خواهد جبهه متحدی را برای فشار و تحریم علیه ایران ایجاد کند. در نشست سران گروه ۷ و وزرای خارجه اتحادیه اروپا هم شاهد بودیم که دولت‌های غربی

تصمیم خود را برای توسعه دایره تحریم‌ها علیه ایران اعلام کردند. چه کاری از دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از توسعه و افزایش تحریم‌ها بر می‌آید؟

من باید یک نکته را تذکر بدهم. تمام شعارهای انسان‌دوستانه و بشر‌دوستانه‌ای که غربی‌ها مطرح می‌کنند و آن را ناشی از ایدئولوژی لیبرالیسم می‌دانند، شعارهایی مثل آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، رعایت حقوق زنان و کودکان، عدم استفاده از خشونت، حل اختلاف‌های بین‌المللی بر مبنای دیپلماسی، نظم جهانی مبتنی بر قانون و امثال اینها، همه این شعارها وقتی نوبت به اسرائیل می‌رسد، از یاد برده می‌شود. جنایتی نمانده است که اسرائیل انجام نداده‌باشد و کشورهای غربی به‌رغم همه شعارهایشان به آن بی‌توجهی نکرده‌باشند. اسرائیل کل منطقه غزه را شش ماه است که مستمراً هوایی و زمینی بمباران می‌کند و نسل‌کشی گسترده‌ای را آغاز کرده است. در این شرایط کشورهای غربی همچنان از اسرائیل حمایت می‌کنند. یعنی تمام ادعاهایی که در مورد حقوق بشر و دموکراسی مطرح می‌کنند، دروغ است. من فکر می‌کنم بیش از اینکه اسرائیل در این جنگ شکست خورده باشد، فرهنگ و ایدئولوژی غرب شکست خورده است و نشان داده تمام حرف‌هایی که می‌زنند، دروغ است و واقعیت ندارد. یکی از نتایج مهم جنگ غزه و بحرانی که بین ایران و اسرائیل پدید آمد، شکست ادعاهای بشر‌دوستانه غرب بود. وقتی اسرائیل مرکز دیپلماتیک ایران را هدف قرار داد، هیچ واکنشی نشان ندادند، اما وقتی ایران به جنایت اسرائیل عکس‌العمل نشان داد، شروع می‌کنند به محکوم کردن و افزایش فشار و تحریم. اینها استانداردهای دوگانه‌ای است که در قبال کشورهای دارند. در قبال این نوع عملکرد، ایران باید تمام تلاش‌اش را به کار بگیرد تا این رویه را متوقف کند و اجازه ندهد که میان کشورهایی که قصد دارند در همراهی با اسرائیل، ایران را تحت فشار قرار دهند، اجماع ایجاد شود. ایران باید به صورت جدی وارد فعالیت شود و با کشورهای منطقه و جهان وارد مذاکره شود. احیای برجام قطعاً یکی از بهترین راه‌های مقابله با افزایش فشار بین‌المللی است. ایران باید از منحصرد کردن سیاست خارجی به چین و روسیه دست بکشد و بعد فعالیت سیاست خارجی‌اش را گسترش دهد.

دیپلمات‌ها



ابتکار عمل بریکس

معاون سیاسی وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به مباحث مطرح‌شده در نشست معاونان وزیران امور خارجه و نمایندگان ویژه کشورهای عضو گروه بریکس در امور خاورمیانه، گفت: «بریکس نشان داد دارای ابتکار عمل برای نقش‌آفرینی هادر صحنه و تحرک کشورهای عضو در چارچوب چندجانبه‌گرایی است.» علی‌باقری، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران، این سخنان را در دیدار با چانگ، نماینده ویژه رئیس‌جمهور چین در حاشیه نشست مسکو بیان کرد. طرف چینی نیز در این دیدار، ضمن محکومیت مجدد حمله رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در دمشق گفت: «از اقدامات ایران در دفاع از حقوق مردم فلسطین تشکر می‌کنیم و اقدامات ایران در منطقه را شایسته می‌دانیم.» این مقام ارشد چینی افزود، پکن بر این باور است که ایران همواره در خاورمیانه شریک راهبردی چین است. معاون سیاسی وزیر امور خارجه همچنین با میخائیل باگدانف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور روسیه و معاون وزیر امور خارجه در امور خاورمیانه و شمال آفریقا، دیدار کرد. در این دیدار طرفین در کنار تأکید بر ظرفیت‌های بریکس به‌عنوان یک پیمان چندجانبه و مهم، روابط و موضوعات دوجانبه و منطقه‌ای را مورد بحث و بررسی قرار دادند.



ضرورت تکمیل خط لوله گاز

خواجeh محمدآصف، وزیر دفاع پاکستان گفت که امیدوار است پروژه خط لوله انتقال گاز پاکستان-ایران تکمیل شود و هیچ مانعی نباید این روند را متوقف کند. به گزارش ایسنا، خبرگزاری ای‌ان‌آی گزارش داد که آصف در گفت‌وگویی با شبکه جیو نیوز با اشاره به تحولات منطقه گفت که کشورهای منطقه باید به منظور صیانت از منافع خود در میان این آشفتگی و هیاهو و مداخله رو به افزایش قدرت‌های بزرگی مانند اتحادیه اروپا و آمریکا از طریق نیروهای نیابتی‌شان، از جمله در ارتباط با رژیم صهیونیستی، بازنگران و ذی‌نفعان منطقه با خط مشی مشترکی متحد شوند. او سفر رئیس‌جمهور پاکستان را «سفری موفقیت‌آمیز» و «پیشرفتی بزرگ» تلقی کرد.



دارالخلافه طالبان برای حقایق هیرمند حکم حکومتی داد

حسن کاظمی قسمی در خصوص حقایق ایران و رویکرد نمایندگی ایران در مورد واکنش‌های دولت سرپرست افغانستان در این موضوع اشاره کرد: «آنچه دارالحکومه انجام می‌دهد، برآمده از تصمیمی است که در دارالخلافه در قندهار گرفته می‌شود. رهبری طالبان اعلام کرد در چارچوب معاهده ۱۳۵۱ باید حق آب مردم ایران را بدهند و حکم حکومتی داد.» به گزارش ایسنا، حسن کاظمی قسمی، نماینده ویژه رئیس‌جمهور ایران در امور افغانستان در پاسخ به سوالی در مورد روش بر خورد ایران با طالبان تصریح کرد: «در دوران حکمرانان جدید در افغانستان از مسیر اقدامات دیپلماتیک و سایر اقدامات حرکت می‌کنیم. جمهوری اسلامی ایران نقش حمایتی از مردم افغانستان را دنبال می‌کند.» نماینده ویژه رئیس‌جمهور در خصوص خط راه‌آهن چابهار به افغانستان گفت: «در چارچوب طرح یک راه-یک کمربند، الان چینی‌ها دنبال می‌کنند، کریدور ایران-افغانستان مفهوم دارد. احتمالاً نشست‌های سه‌جانبه‌ای را میان ایران-افغانستان-چین برگزار خواهیم کرد.»